

عنوان مقاله:

دستور موقت واحكام وآثار آن با تأكيد بر قانون آیین دادرسی مدنی

محل انتشار:

دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

محمد روحانی مقدم - عضو هیات علمی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

مصطفی عرب النجری - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

خلاصه مقاله:

طبق ماده 310 ق.آ. د. م در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد دادگاه به درخواست ذینفع برابر مواد زیر دستور موقت صادر می کند. لذا هر امری که محتاج به تعیین تکلیف فوری باشد می تواند موضوع دستور موقت واقع شود و با توجه به ماده 316 ق.آ. د. م این دستور ممکن است دایر به توقیف مال یا انجام عمل یا منع از عملی باشد. در واقع اگر قبل از اقامه دعوی اصلی، درخواست دستور موقت داده شود نیازمند تشریفات دادرسی و تنظیم دادخواست است ولی بعد از آن نیاز به دادخواست و تشریفات آن نیست. در واقع ایجاد عسر و حرج و یا خسارات و صدمات مادی و معنوی ملاک در تعیین فوریت صدور دستور موقت است که تشخیص آن به عهده دادگاه است و خواهان دعوی متقابل نیز چون دارای شرایط خواهان دعوی است می تواند درخواست صدور دستور موقت را مطرح کند. دستور موقت اصولاً و بیشتر در امور مدنی جریان پیدا می کند و تقریر و وضع احکام و شرایط مربوط به دستور موقت نیز در آیین دادرسی مدنی آمده است اما باید دانست که استفاده از این نهاد قانونی در امور جزایی منتفی نیست. تعیین موضوع دستور موقت اصولاً بر عهده خواهان قرار دارد و اوست که اختیار دارد و می تواند موضوع دستور موقت را به تناسب دعوی اصلی خود تعیین و انتخاب کند. دادگاه نیز بر اساس موضوعی که خواهان در معرض رسیدگی دادگاه قرار می دهد، رسیدگی کرده و به قبول یا رد آن اعلام رای نماید.

کلمات کلیدی:

دادرسی، امور فوری، دستور موقت، توقیف اموال

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1018804>

